

ظرفیت های اقتصادی سازمان همکاری شانگهای برای جمهوری اسلامی ایران

اسماعیل محب پور^۱

نوذر شفیعی^{۲*}

سکینه ببری گنبد^۳

چکیده

عضویت دائمی ایران در سازمان شانگهای نقطه عطفی در سیاست خارجی است که می تواند زمینه های همکاری های گسترده به ویژه در حوزه اقتصادی و خنثی سازی تحریم ها را به دنبال داشته باشد. در این راستا، در مقاله پیش رو با هدف؛ بررسی فرصت های اقتصادی سازمان همکاری شانگهای در پی عضویت دائم ایران، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که؛ عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای چه مزایا و فرصت های برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصاد بین الملل ایجاد خواهد کرد؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که سازمان همکاری شانگهای از نظر بازار، تعداد جمعیت، اندازه های اقتصادی مطرح در جهان، میزان درآمد و نقش کشورهای عضو در تجارت بین المللی، فرصت های بی شماری برای اعضای فراهم می آورد، که ایران با عضویت رسمی در این سازمان می تواند از فرصت های مذکور در راستای افزایش نقش اش در اقتصاد جهانی بهره مند شود. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری داده ها منابع کتابخانه ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: سازمان همکاری شانگهای، تجارت بین المللی، حمل و نقل بین المللی، ایران

10.22034/ir.2023.384685.2348

۳۴۱

پژوهش های بین الملل
روابط بین الملل

فصلنامه

پژوهش های

روابط بین الملل،

دوره سیزدهم،

شماره اول، شماره

پیاپی چهل و

هشت، بهار ۱۴۰۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد مدعو گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. دانشیار گروه مطالعات منطقه ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

* Nozarshafiee@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه روابط بین الملل، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره سیزدهم، شماره پیاپی چهل و هشت، صص ۳۴۱-۳۶۷

مقدمه

سازمان همکاری شانگهای (SCO)^۱، به عنوان سازمانی بین‌دولتی در سال ۲۰۰۱ میلادی، با هدف همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، و امنیتی، توسط رهبران کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان تاسیس شد. البته تاریخچه این سازمان به سال ۱۹۹۶ بر می‌گردد که بجز ازبکستان، سایر کشورهای نام برده، در شانگهای چین آن را پایه‌گذاری کردند. (انوری، رحمانی موحد، ۱۳۸۸: ۹-۱۰) کشورهای هند و پاکستان نیز در ژوئیه ۲۰۱۷ به عضویت آن در آمدند و کشورهای ایران، مغولستان، افغانستان و بلاروس به عنوان اعضای ناظر در این سازمان حضور یافتند. سرانجام جمهوری اسلامی ایران در سپتامبر ۲۰۲۱ به عضویت رسمی این اتحادیه در آمد. سازمان همکاری شانگهای تا پیش از پیوستن ایران، ۸ عضو کامل و دائمی داشت که اکنون با احتساب ایران، به ۹ عضو کامل و دائمی رسیده است و سایر اعضا یا «اعضای ناظر» (شامل؛ افغانستان، مغولستان و بلاروس) و یا «شریک بحث» (شامل ۶ کشور؛ ارمنستان، آذربایجان، ترکیه، کامبوج، نپال و سریلانکا) هستند. از نظر ساختاری، سازمان همکاری شانگهای دارای یک ساختار منظم متشکل از شوراهای، کمیسیون، دبیرخانه، کمیته‌ها و کارگروه‌های ویژه است و هر کدام بخشی از مسئولیتهای سازمان را بر عهده دارند. از مهمترین اهداف و وظایف سازمان همکاری شانگهای می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تقویت اعتماد متقابل، دوستی و حسن همجواری میان کشورهای عضو برای تثبیت همکاری‌های چندوجهی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی؛ همکاری مشترک برای مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمام اشکال آن؛ تشویق همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، تجاری، اقتصادی، دفاعی، محیط زیست، فرهنگی، علمی، فن‌آوری، آموزشی، انرژی، حمل و نقل و ...؛ اقدام مشترک و مشارکت جمعی برای ایجاد رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متوازن و جامع در منطقه به منظور افزایش استانداردها و ارتقای شرایط زندگی در کشورهای عضو؛ هماهنگی رهیافت‌ها برای تعامل در اقتصاد جهانی؛ تقویت همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی؛

1 Shanghai Cooperation Organization

همکاری در زمینه ممانعت از منازعات بین‌المللی و حل مشکلاتی که جهان در قرن ۲۱ با آن مواجه خواهد شد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ ۱۳۸۸: ۲۱-۲۲) در میان کشورهای عضو این سازمان، چهار قدرت اتمی شامل چین، روسیه، هند و پاکستان وجود دارند که از میانشان، روسیه و چین اعضای دائمی شورای امنیت و در زمره ۶ اقتصاد برتر دنیا هستند. مساحت کشورهای عضو این سازمان در مجموع ۳۶ میلیون و ۸۸۹ هزار و ۶۰۷ کیلومتر مربع است که چیزی در حدود یک چهارم سطح خشکی‌های زمین را شامل می‌شود. همچنین ۹ کشور عضو در حدود ۳ میلیارد و ۳۶۳ میلیون نفر جمعیت دارند که چیزی نزدیک به ۴۳ درصد جمعیت جهان را در بر می‌گیرد.

۳۴۳



ظرفیت‌های
اقتصادی سازمان
همکاری
شانگهای برای
جمهوری اسلامی
ایران

چارچوب توافقنامه همکاری اقتصادی کشورهای عضو پیمان، نخستین بار در نشست مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۳ تهیه و به امضا رسید. در این نشست چین پیشنهاد کرد که برنامه بلندمدتی برای تشکیل منطقه آزاد تجاری در سازمان تهیه شود. وی در این پیشنهاد چندین راهکار کوتاه مدت برای افزایش سطح بازرگانی در میان کشورهای عضو ارائه داد. یکسال پس از این پیشنهاد، در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴، سندی شامل یکصد برنامه مشخص برای افزایش سطح بازرگانی میان کشورهای عضو به امضا رسید. دستاورد مهم دیگر این نشست توافق برای تشکیل شورای مشترک بانکی بین کشورهای عضو سازمان بود. هدف از تشکیل این شورای مشترک بانکی تسهیل در فراهم نمودن سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های مشترک سازمان عنوان شده‌است. در پی این توافق، نخستین گردهمایی شورای مشترک بانکی سازمان همکاری شانگهای در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ در پکن پایتخت چین برگزار شد. (انوری، ۱۳۸۶، ۲۳-۲۵).

در واقع سازمان همکاری شانگهای در مواجهه با شکاف‌های موجود میان بلوک شرق و غرب و جنگ تجاری آمریکا با کشورهای هم‌انگیز چین، تلاش می‌کند؛ به تقویت ابعاد اقتصادی سازمان و اعضای آن بیش از پیش بپردازد. مهمتر اینکه ایران نیز قادر است با عضویت دائم در این سازمان به بازار به بازار بزرگ حدوداً سه میلیارد نفری کشورهای عضو این سازمان را دست یابد و تا حدی نیز به صادرات مواد نفتی و پتروشیمی خود به کشورهای عضو سازمان شانگهای امید داشته باشد. همچنین ایران می‌تواند برخی نیازهای فناورانه، مالی و صنعتی خود را نیز با محدودیتهای به مراتب کمتری نسبت به

گذشته، از این منطقه تامین کند. جدای از اینها، عضویت ایران در سازمان همکاریهای شانگهای، عملاً جایگاه آن در ابتکار بزرگ دولت چین موسوم به «یک کمربند یک راه»^۱ را تسهیل کرده و با تبدیل شدن کشورمان به بازیگری موثر در کریدور شمال به جنوب کشورهای عضو سازمان همکاریهای شانگهای، موجب تقویت پیوندش با دولت‌های آسیای مرکزی شود. مسائلی که در نوع خود دارای مزایا و منافع اقتصادی قابل توجهی برای ایران هستند.

۱. چارچوب تحلیلی: قدرت نهادی

چارچوب نظری مقاله پیش رو «قدرت نهادی»، سوزان استرنج^۲ می باشد. در قدرت نهادی بیشتر تاکید بر این است که نهادها چگونه به کشورها قدرت می بخشند. قدرت نهادی به معنای توانایی شکل دادن به کنش دیگران از طریق تعیین قواعد و الگوهای رفتاری جدید است. به نظر «آنتونی زیتو»^۳ نهادها به عنوان «مجموعه به هم پیوسته ای از قواعد و رویه‌ها که کنش مطلوب در موقعیت‌ها را مشخص می کند»، می‌تواند امکان شکل‌گیری قواعد رفتاری و تصمیمات سیاسی جدید را فراهم کند (مسعودی، ۱۴۰۰: ۴۴۳).

به رغم تاریخ طولانی اهمیت قدرت در روابط بین الملل، اکثر محققین هم در مورد نقش قدرت و هم طبیعت آن اختلاف نظر دارند. ریموند دوآل و میشائیل بارنت^۴ در کتاب «قدرت در عرصه بین الملل» چهار نوع قدرت اجباری، نهادی، ساختاری و مولد را شناسایی کرده‌اند. در خصوص قدرت نهادی می توان گفت که این درک از قدرت، به برداشت لیبرالی به خصوص لیبرال نهادگرا نزدیک تر است. محققینی که بر قدرت نهادی تاکید دارند، نهادها و ساختارها را به عنوان مجموعه از قواعد، رویه‌ها و نرم‌ها تعریف می کنند که کنش‌های بازیگران قبلاً برساخته با اولویت‌های ثابت را محدود می‌کند. بنابراین قدرت نهادی تصمیماتی را مورد توجه قرار می دهد که گرفته نشده است، مثل برخی تنظیمات نهادی که برخی فرصت‌ها را محدود و یا از جهت‌گیری‌های خاص

¹ Belt and Road Initiative

² Susan, Strange

³ Antony Zito

⁴ Barnett, Michael & Raymond Duvall

جانبداری می‌کند. برای مثال، تنظیمات نهادی می‌تواند فرایند دستور کار را به شکلی جهت دهد که موضوعات مورد منازعه را از آن حذف کند (وحیدی، ۱۳۸۶: ۷۱۵). یکی از ویژگیهای مهم این نوع قدرت که سبب شده است تا دولت‌ها در پیگیری خواسته‌ها و اولویت‌های خود به آن متوسل شوند، اعمال مسالمت‌آمیز این نوع قدرت است که سبب می‌شود که مقاومت در برابر اعمال‌کننده قدرت، بسیار کمتر باشد. البته گفتنی است که سهم دولت‌ها در این نوع قدرت نیز به گونه مساوی توزیع نشده است. معمولاً دولت‌هایی که در نهادهای بین‌المللی دست بالا را دارند یا در ایجاد این نوع از نهادها سهم بیشتری برخوردارند، بیشتر می‌توانند رفتار و شرایط کنشگران دیگر را کنترل کنند (شامیری شکفتی، فرهادی، ۱۴۰۱: ۲۰۲).

در منطقه‌گرایی‌هایی که براساس نظریات مدرن شکل گرفته، دارای شاخص‌هایی چون همکاری نهادینه‌شده، چندموضوعی و چندسطحی است. نهادهای منطقه‌ای که پس از جنگ سرد تاکنون ایجاد و به تدریج رشد کرده‌اند، توانسته‌اند بین حوزه‌های فراملی، عرصه‌های اجتماعی و فضای فرمانطقه‌ای الگوی تعاملی جدیدی را شکل دهند.

در دهه ۱۹۷۰ رشته روابط بین‌الملل را اغلب برحسب سه مکتب فکری تصویر می‌کردند: واقع‌گرایان که ادامه‌دهنده سنت سودا‌باوران بوده و بر لزوم کنترل بازار توسط دولت تأکید ورزیده‌اند؛ لیبرال‌ها که همچنان آرمان بازار «آزاده» و رقابت بر سر ارزش‌ها را وسیله ترویج رفاه در جهان می‌دانند؛ و مارکسیست‌ها (مارکسیسم) که معتقدند سرمایه‌داری ذاتاً استثمارگرانه است. استرنج مدعی است که این رشته بی‌جهت «شبیبه سه قطار کودکی که روی سه مسیر جداگانه در حرکت‌اند و نقطه آغاز و مقصد نهایی متفاوتی دارند و هرگز مسیر یکدیگر را قطع نمی‌کنند» به سه پاره تقسیم شده است (Strange, 1988:16). استرنج برای بسط اندیشه قدرت ساختاری به منزله یکی از مفاهیم اقتصاد سیاسی بین‌الملل که محققان را قادر می‌سازد سیاست و اقتصاد را با هم درآمیزند از این هر سه مکتب فکری وام می‌گیرد. قدرت ساختاری به قدرت تصمیم‌گیری درباره نحوه انجام امور، قدرت شکل دادن به چارچوبی که دولت‌ها در دل آن با یکدیگر، با مردم، یا با شرکت‌های خصوصی ارتباط برقرار می‌کنند اشاره دارد. قدرت نسبی هر طرف یک رابطه بیشتر یا کمتر خواهد بود اگر یک طرف در عین حال تعیین‌کننده ساختار پیرامونی

آن رابطه هم باشد. (Strange, 1988: 24-25) به نظر استرنج بین بسیاری از تحولات ساختاری در سیاست جهانی با تحولات ساختاری اقتصاد سیاسی بین‌الملل رابطه در هم تنیده ای وجود دارد. منظور استرنج از تحولات ساختاری سیاست جهانی رخدادهایی نظیر تجزیه و فروپاشی شوروی، کسر بودجه اجتناب ناپذیر ایالات متحده در دهه ۱۹۷۰، شکل‌گیری مازاد ژاپن، رشد سریع کشورهای تازه صنعتی شده آسیای جنوب شرقی، تغییر جهت بسیاری از کشورهای در حال توسعه از سیستم‌های میلیتاریستی و اقتدارگرا به سمت دموکراسی و از حمایت‌گرایی و سیاست جایگزینی واردات به سمت آزادسازی و توسعه صادرات است. او در رابطه با ماهیت تحولات ساختاری اقتصاد سیاسی بین‌الملل، به بین‌المللی شدن تولید، شکل‌گیری شرکت‌های فراملی تولید و تجارت، تحول در تکنولوژی و نقش آن در کاهش هزینه‌های تولید و تجارت اشاره می‌کند. استرنج همچنین به تأثیر این تحولات در دگرذیسی نقش و جایگاه دولت در ساختارهای جدید قدرت و لزوم تعامل آن با بازیگران جدید از جمله شرکت‌ها می‌پردازد (Strange, 1994, 106).

«استرنج بر آن بود که اقتصاد سیاسی بین‌الملل باید از نظر فکری باز، از نظر آرمانی هنجاری، از نظر گرایشی انتقادی، و از نظر لحنی با شور و حرارت باشد. این چهار ویژگی، در واقع به ویژگی‌های مسلم مکتب بریتانیایی تبدیل شدند. بازبودن به لحاظ فکری در واقع نشانه مخالفت با تخصص‌گرایی دیسیپلینی در علوم اجتماعی است. هنجاری بودن به لحاظ آرمانی حاکی از آن است که تئوری اقتصاد سیاسی بین‌الملل نباید به امور هزینه فایده محدود و صرفاً با معیار سودمندی ارزیابی شود، بلکه باید انصاف و عدالت و امور اخلاقی را نیز دربرگیرد. گرایش انتقادی به این معنی است که باید در برابر شیوه تفکری که متعارف و جاافتاده به حساب می‌آید، با تردید و بت شکنانه موضع گرفت. در نهایت، منظور از پرشوری لحنی این است که باید در راستای پیشبرد اهداف تعریف شده، پردغدغه، بانگیزه، و جدی عمل کرد.» (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۲)

به گفته استرنج، بررسی هر موضوعی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل باید از یک دسته پرسش‌های تجربی آغاز می‌شود: «این نتیجه را کدام فرایندهای سیاسی و اقتصادی به

وجود آورده اند؟ پس از علت‌ها معلول‌ها می‌آیند: چه کسی سود برده است؟ چه کسی هزینه‌اش را پرداخت کرده است؟ چه کسی مخاطرات را به جان خریده است؟ چه کسی از فرصت‌های تازه بهره برده است؟ (Strange, 1995:172). در گام بعد باید با بررسی تصمیمات گرفته شده و توافقات حاصله میان بازیگران مربوط را که از جمله شامل حکومت‌ها هم می‌شوند ولی محدود به آن‌ها نیستند به پرسش‌های یادشده پاسخ گفت. ولی تحلیل ما نباید محدود به توافقات آشکار (برایند قدرت مناسباتی میان بازیگران) بماند بلکه باید محدودیت‌های چهار ساختار قدرت، را که به لحاظ تحلیلی از هم جدا هستند، و نیز تعامل میان آن‌ها را بازنشاسد: «قدرت تأثیرگذاری بر اندیشه‌های دیگران [ساختار آگاهی]، دسترسی بازیگران به اعتبارات [ساختار امنیت]، چشم اندازه‌های امنیت بازیگران [ساختار امنیت]، بخت آن‌ها برای بهره‌مندی از زندگی بهتری در مقام تولیدکننده و مصرف‌کننده [ساختار تولید]» (Strange, 1995: 172). از دید استرنج این چهار ساختار در گذر زمان با هم تعامل دارند و دگرگون می‌شوند. هیچ ساختار واحدی برای همیشه بر دیگر ساختارها غلبه ندارد ولی چگونگی تعامل آن‌ها به روشن ساختن توافقاتی که در موضوعات مختلف اقتصاد سیاسی بین‌الملل میان بازیگران حاصل می‌شود کمک می‌کند.

چین در طول سال‌های اخیر، به ویژه در دوره شی جین‌پینگ^۱، نقش برجسته‌ای در فرایند نهاد سازی بین‌المللی داشته است. در مجموع، نهادهای بین‌المللی، افزون بر ایجاد محدودیت برای بسیاری از کشورها در عرصه بین‌المللی، می‌توانند رفتار دولت‌ها یا بازیگران دیگر را نیز هدایت و تنظیم کنند. یکی از کارکردهای مثبت این نهادها، این است که پیامدها و هزینه‌های پیش‌بینی‌ناپذیر را کاهش داده و سبب می‌شوند که فضا برای حل مشکلات دسته‌جمعی باز شود. بنابراین عضویت در سازمان شانگهای از این جهت می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد که محفل و نهادی است که می‌تواند قدرت نهادی ایران را نیز افزایش دهد. البته قدرت نهادی قطعاً باید با یک پشتوانه سیاسی، اقتصادی و امنیتی و هنجاری باشد.

¹Xi Jinping

۲. ظرفیت‌های اقتصادی سازمان همکاری شانگهای

از دیدگاه نهادگرایان لیبرال در روابط بین‌الملل، نهادهای بین‌المللی به عنوان یکی از مهمترین بازیگران عرصه نظام بین‌المللی، در کنار دولت‌ها حائز اهمیت اند. این نظریه پردازان برآنند که نهادهای بین‌المللی می‌توانند تاثیر مهمی روی رفتار همکاری جویانه کشورها و نظم بین‌المللی داشته باشند. آنها ضمن آنکه برای نهادهای بین‌المللی هویت مستقل در سیاست بین‌المللی قائل‌اند، برآنند که نهادهای بین‌المللی، مستقل از منابع قدرت و ترجیحات کشورها، نتایج بین‌المللی و رفتار کشورها را تعیین میکنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۷: ۵۷۵). نهادهای فراملی می‌توانند با ایجاد همگرایی، نقش مهمی در ایجاد زمینه‌های همکاری بین‌المللی بویژه همکاری بین دولت‌ها برای حل بحران‌های بین‌المللی و نیز دستیابی به اهداف مشترک ایفا کنند. همگرایی منطقه‌ای به جای آنکه به حاکمیت، توانایی نظامی و موازنه قدرت بپردازد، معطوف به وظایف، مرادفات، ادراک‌ها و یادگیری است (هاس، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۴۰).

سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان منطقه‌ای در منطقه آسیای مرکزی از جمله این نهادها می‌باشد که زمینه‌های شکل‌گیری آن پس از فروپاشی ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و پایان جنگ سرد فراهم آمد. این سازمان که به طور عمده نماد فرایند شکل‌گیری همگرایی در آسیای مرکزی می‌باشد با رشد و گسترش خود امروزه جایگاه به نسبت مهمی را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده است.

بزرگی و سبد اقتصادی ۱۲ کشور عضو سازمان شانگهای بیش از ۲۰ تریلیون دلار است و این سازمان سهم ۲۲.۹ درصدی از اقتصاد جهانی را در اختیار دارد. چین به تنهایی با سهم بیش از ۷۰ درصدی جایگاه کاملاً مسلط را در این سازمان دارد. هند، روسیه، ایران، پاکستان و قزاقستان به ترتیب با سهم ۱۵.۲، ۸.۵، ۲.۶، ۱.۳ و ۰.۹ درصد و سهم ۶ کشور عضو دیگر نیز کمتر از یک درصد است (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۴۰۱). کل حجم تجارت کالایی کشورهای عضو سازمان در سال ۲۰۲۰، حدود ۶ هزار میلیارد دلار (۱۷.۳ درصد تجارت کالایی جهان) بوده است. در این گزارش نوشته شده: «بر اساس این داده‌ها حدود ۱۴.۴ درصد از کل واردات و ۸.۴ درصد از کل صادرات کشورهای عضو سازمان از طریق تجارت درون‌گروهی تامین می‌شود.

براساس اطلاعات سال ۲۰۱۸، تجارت ایران با اعضای سازمان شانگهای حدود ۲۸ میلیارد دلار (حدود ۲۰ درصد از کل تجارت ایران) بوده است؛ بطوری که کشورهای عضو، در صادرات ایران ۱۳.۶ درصد و در واردات ایران ۳۵.۷ درصد نقش داشته‌اند.» (موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۴۰۱) در یک دهه گذشته ابتکارات جدید و متفاوتی اعضای این نهاد در کانون دیپلماسی اقتصادی خود قرار داده‌اند. در این فرایند، چند نهاد اقتصادی در سازمان شکل گرفته است یا ایده آن طرح شده است. مهمترین این نهادها که ظرفیت‌های اقتصادی بالایی ایجاد می‌کند؛ عبارت‌اند از:

۳۴۹

۱-۲. کنسرسیوم بین بانکی

کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای در اکتبر ۲۰۰۵ و در پی تصمیم شورای سران سازمان برای ایجاد مکانیسم حمایت مالی از پروژه‌های کشورهای عضو سازمان و سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها شکل گرفت. این کنسرسیوم بین بانکی دارای اعضای متشکل از بانک‌های کشورهای عضو می‌باشد، شامل؛ بانک توسعه قزاقستان، بانک توسعه دولتی چین، بانک توسعه امور اقتصادی خارجی روسیه ۴، بانک ملی تاجیکستان و بانک ملی برای فعالیت اقتصادی خارجی ازبکستان که در دومین شورای کنسرسیوم بین بانکی در ۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ میلادی شرکت پس انداز و پرداخت قرقیزستان نیز به جمع مذکور افزوده شد. همچنین در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ مدیران بانک‌های عضو برنامه اقدامی جهت پشتیبانی از همکاری‌های اقتصادی منطقه آسیای مرکزی را امضاء کردند که استراتژی فعالیت‌های کنسرسیوم بین بانکی را در میان مدت مشخص می‌کند. در تداوم این موضوع تصمیمات موثری در زمینه اعتبارات لازم جهت پروژه‌های با سرمایه‌گذاری مشترک در حدود ۷۴۲ میلیون دلار در همان سال امضاء شد. هم‌اکنون مدیرکل بانک توسعه قزاقستان مسولیت کنسرسیوم بین بانکی سازمان را بر عهده دارد (SCO, 2009:1).

مهمترین کار ویژه‌های این کنسرسیوم را میتوان سازماندهی منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها، تعمیق تعاملات با نهادهای مالی کشورهای عضو، ناظر و شرکای سازمان همکاری شانگهای، همکاری با نهادهای اقتصادی کلیدی در سازمان شامل شورای کسب و کار و بانک توسعه اوراسیا و تبادل تجربیات با کشورهای عضو در قالب



دوره‌های آموزشی برشمرد. در سال ۲۰۲۰ که روسیه ریاست سازمان همکاری شانگهای را برعهده داشت توسعه اکوسیستمی برای پرداخت با ارزش‌های ملی را به عنوان یکی از اولویت‌های این کنسرسیوم مطرح کرد. افزون بر این رشد فراگیر از طریق سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های باکیفیت بالا، توسعه بدیل‌هایی برای روش‌های کلاسیک تأمین مالی از جمله تضمین صادرات، مشارکت راهبردی برای توسعه پایدار باهدف رسیدن اعضا به اهداف توسعه پایدار تا سال ۲۰۳۰ نیز به‌عنوان اولویت‌های این نهاد برشمرده شد (Liao, 2021:1).

در اجلاس ۲۰۲۱ سازمان همکاری شانگهای، استراتژی کوتاهمدت کنسرسیوم تا سال ۲۰۲۶ تصویب شد. در قالب این استراتژی گسترش و تعمیق همکاری در حوزه‌های اتصالات زیرساختی، صنایع پیشرفته، لجستیک، کشاورزی، فناوریهای پیشرفته و ایجاد زنجیره عرضه کارآمد منطقه‌ای به‌عنوان اهداف کلیدی آن تعیین شد. این کنسرسیوم از هنگام تشکیل در سال ۲۰۰۵ تا کنون از ۵۹ پروژه در قالب ارائه ۱۰,۷ میلیارد دلار وام حمایت کرده است (Rousselot, 2021: 2).

چین در سال ۲۰۲۱ وعده ارائه وام ده میلیارد دلاری به اعضای این سازمان را داد. این کشور در سال ۲۰۱۸ و در اجلاس سران این سازمان نیز وعده ارائه وامی به مبلغ ۴,۶ میلیارد دلار به اعضا را داد. این وام در قالب کنسرسیوم بین بانکی سازمان همکاری شانگهای عملیاتی میشود (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۰: ۱۱).

۲-۲. شورای کسب و کار

شورای کسب و کار مهمترین نهاد غیردولتی سازمان همکاری شانگهای و کلیدی ترین نهاد در دیپلماسی کسبوکار است. این شورا که با تصمیم شورای سران سازمان در سال ۲۰۰۵ شکل گرفت، اهداف چندگانه‌ای را دنبال میکند. این اهداف عبارت‌اند از:

- تسهیل همکاری کوثر میان اعضا در شاخه‌های مختلف کسب و کار
- ایجاد همکاری مستقیم و بیواسطه میان فعالان اقتصادی کشورهای عضو
- سازماندهی و برگزاری نشستها، برگزاری نمایشگاهها، کنفرانسها، سمینارها و سایر گردهماییهای مرتبط با کسب و کارها.

این شورا دارای یک مجمع عالی است که جلسات سالانه را برگزار میکند. سه نماینده از هر کشور عضو در این مجمع عضویت دارند.

۲-۳. باشگاه انرژی

سازمان همکاری شانگهای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان بزرگ انرژی در جهان را گرد هم آورده است. از همین رو ایده شکل‌دهی به همکاریهای گسترده تر و نوعی همگرایی در این حوزه از همان ابتدا در سازمان مطرح بوده است. نخستین بار در سال ۲۰۰۵ روسیه ایده شکل‌گیری باشگاه انرژی سازمان همکاری شانگهای را مطرح کرد و کشورهای آسیای مرکزی نیز از آن حمایت کردند، اما به دلیل اختلاف میان چین و این کشورها و تضعیف احتمالی موضع چین در برابر تولیدکنندگان انرژی، چنین ساختاری تا سال ۲۰۱۳ شکل نگرفت.

در سال ۲۰۱۳ این ساختار شکل گرفت، اما تاکنون نتایج چندانی به همراه نداشته است. از منظر ایده‌های در قالب این باشگاه نیل به بازار واحد انرژی یا شکل‌دهی به مدل جدید تبادل انرژی و تدوین مشترک استراتژی انرژی اوراسیایی مطرح شده است. حتی برخی از کشورها همچون قزاقستان شکل‌دهی به فضای مشترک انرژی را نیز طرح کرده اند، اما باشگاه انرژی سازمان همچنان در حد یک ایده باقیمانده است. به بیان دقیقتر باوجود آنکه همکاری در حوزه انرژی در یک دهه اخیر به کانون روابط چین با کشورهای آسیای مرکزی و روسیه بدل شده است، اما این همکاریها به صورت دوجانبه و خارج از ساختار کلاب انرژی سازمان رخ داده است. چین در تعامل دوجانبه با کشورهای دارنده انرژی در درون این سازمان از موقعیت مذاکره‌ای بهتری برخوردار است و تمایلی به تغییر این وضعیت ندارد. عدم تمایل چین را میتوان عامل کلیدی در تداوم نقش حاشیه‌ای این باشگاه در سازمان همکاری شانگهای برشمرد (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۰: ۱۲).

۲-۴. بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای

ایده تشکیل بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای از سالها پیش مطرح بوده است. در اجلاس نخست وزیران این سازمان در سال ۲۰۱۶ این ایده به تصویب رسید، اما با مخالفت روسیه در اجلاس سران سازمان در همان سال، سرانجامی نیافت. آن هنگام

تاکنون رایزنی های چین و روسیه برای تشکیل این بانک فرجامی نیافته است. با وجود این، پیشنهاد تشکیل این بانک اخیرا از سوی پاکستان، نزدیکترین کشور به چین، نیز مطرح شده است. مخالفت روسیه با تشکیل چنین بانکی ناشی از دو عامل است. نخست آن که در فرایند تشکیل چنین بانکی موازنه سهم و تأثیرگذاری اعضا احتمالا امکانپذیر نیست. چین از توانایی بسیار بالایی برای تأمین مالی پروژهها برخوردار است و به طور طبیعی موقعیت هژمونیک در چنین بانکی پیدا میکند. دوم آنکه که این بانک میتواند ابزار تسلط چین بر ژئو اکونومی آسیای مرکزی شود و سرعت گسترش نفوذ این کشور در این منطقه را افزایش دهد به دیگر سخن میتوان مخالفت موثر روسیه را مهمترین عامل در فرجام نیافتن این بانک عنوان کرد. البته چین ایده تشکیل بانکی را در قالبی بزرگتر، تحت عنوان بانک توسعه و سرمایه گذاری زیرساخت آسیای عملیاتی کرد و از آن مسیر بخشی از تأمین مالی پروژه های مدنظر خود را در آسیای مرکزی صورت می دهد. با وجود این چین همچنان تشکیل این بانک را پیگیری می کند (مرکز پژوهش های اتاق ایران، ۱۴۰۰: ۱۳).

اگر بخواهیم نگاهی تیتروار به ظرفیت های اقتصادی سازمان همکاری شانگاهی داشته باشیم می بایست به موارد ذیل اشاره کنیم:

- اندازه اقتصاد ۱۲ کشور عضو سازمان شانگهای بیش از ۲۰ تریلیون دلار است و این سازمان سهم ۲۲.۹ درصدی از اقتصاد جهانی را در اختیار دارد.
- چین به تنهایی با سهم بیش از ۷۰ درصدی جایگاه کاملا مسلط را در این سازمان دارد. هند، روسیه، ایران، پاکستان و قزاقستان به ترتیب با سهم ۱۵.۲، ۸.۵، ۶.۶، ۱.۳ و ۰.۹ درصد و سهم ۶ کشور عضو دیگر نیز کمتر از ۱ درصد است.
- کل حجم تجارت کالایی کشورهای عضو سازمان در سال ۲۰۲۰، حدود ۶ هزار میلیارد دلار بوده است (۱۷.۳ درصد تجارت کالایی جهان). بر اساس این داده ها حدود ۱۴.۴ درصد از کل واردات و ۸.۴ درصد از کل صادرات کشورهای عضو سازمان از طریق تجارت درون گروهی تأمین می شود.

- براساس اطلاعات سال ۲۰۱۸، تجارت ایران با اعضای سازمان شانگهای حدود ۲۸ میلیارد دلار (حدود ۲۰ درصد از کل تجارت ایران) بوده است؛ بطوری که کشورهای مذکور، در صادرات ایران ۱۳.۶ درصد و در واردات ایران ۳۵.۷ درصد نقش داشته‌اند.

۳. قواعد حاکم بر روابط اقتصادی اعضای سازمان همکاری شانگهای

در سطح کلان و از منظر اقتصاد سیاسی، سازمان همکاری شانگهای نظم موجود در اقتصاد سیاسی بین‌الملل را پذیرفته و آن را به عنوان مبنای همکاری اعضا قرار داده است. در این قالب سازمان هدف آرمانی خود را "جریان آزاد کالا، نیروی کار و سرمایه" تعریف کرده است. این هدف در آسه آن و اتحادیه اروپا نیز به روشنی برجسته شده است و از آرمانهای طرفداران فراملی‌گرایی و جهانی‌شدن به شمار می‌آید. افزون بر این اعضا، سازمان تجارت جهانی و قواعد آن را به عنوان مبنای تجارت جهانی پذیرفته‌اند و البته در اعلامیه‌های اخیر بر اصلاح این سازمان تاکید کرده‌اند و مکانیسم بازار را به عنوان مکانیسم کلیدی توسعه اقتصادی مورد تاکید قرار داده‌اند.

با وجود این، در حوزه همکاری اقتصادی نیز همچون حوزه امنیتی مسیر حرکتی سازمان با مسیرهای متعارف و کلاسیک متفاوت بوده است. در اتحادیه اروپا و تا حدودی مجموعه آسه آن، فرایند همگرایی مراحل هم‌چون تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و جابه‌جایی آزادانه کالا، سرمایه و نیروی کار را در بر می‌گیرد و عملیاتی شده است. اما در سازمان همکاری شانگهای عمدتاً رویه‌هایی در همکاری اقتصادی شکل گرفته است و مسیر سنتی همگرایی اقتصادی طی نشده است. اشاره شد که در حوزه عملیاتی حرکت این سازمان با مدل‌های کلاسیک همگرایی اقتصادی متفاوت بوده و عمدتاً به ایجاد رویه‌ها و تسهیل روابط تجاری و اقتصادی میان اعضا و انعطاف در برابر ابتکارات کشورهای عضو محدود شده است. به رغم این که از آغازین روزهای تشکیل این سازمان ایده جریان آزاد کالا نیروی کار و سرمایه، عمدتاً از طرف دولت چین و نمایندگان آن در جلسات این سازمان مطرح شده است، اما همواره با مخالفت‌های فنی و سیاسی روسیه و برخی کشورهای آسیای مرکزی مواجه شده است. از آنجا که اعضای سازمان به لحاظ قدرت اقتصادی، نوع اقتصادها و میزان رقابت‌پذیری آنها در وضعیت شدیداً نامتوازنی قرار دارند، اغلب اعضای سنتی سازمان یعنی روسیه و کشورهای آسیای

مرکزی از رقابت با چین ناتوان اند و هراس دارند. این کشورها عمدتاً صادرکننده مواد خام محسوب می‌شوند و بازار آنها به صورت فزاینده در اختیار چین قرار گرفته است. ناتوانی این کشورها در رقابت با اقتصاد شکوفا و تهاجمی چین زمینه را برای مخالفت آنان با آزادسازی تجاری در قالب این سازمان فراهم آورده است. این مخالفت به ویژه از طرف روسیه به صورت مداوم ابراز شده است (Alexander, 2017: 2).

روسیه در سیاست اعلامی همواره از آزادسازی تجاری و همگرایی اقتصادی در درون سازمان حمایت کرده است، اما در عمل و در جلسات این سازمان مانع اجرایی شدن و نهادینه شدن این ابتکارات در قالب‌های الزام آور شده است. به عنوان مثال مخالفت روسیه مهمترین عامل عدم تشکیل بانک توسعه و منطقه تجارت آزاد سازمان همکاری شانگهای بوده است.

کوشش‌های چین برای تشکیل این بانک در یک دهه گذشته همواره با مخالفت موثر روسیه به شکست انجامیده است. در چنین فضایی حاصل کنش‌های اقتصادی و همگرایانه سازمان تاکنون طیفی از ابتکارات و مکانیسمها و رویه‌های همکاری اقتصادی بوده است که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. افزون بر این و مهمتر آن که چین و روسیه به عنوان دو بازیگر کلیدی در حوزه اقتصادی این سازمان، در یک دهه گذشته پروژه‌های کلان اقتصادی و همگرایانه جدیدی را تعریف کردند و دیپلماسی اقتصادی خود را معطوف به پیشبرد این پروژه‌ها نمودند. چین مگا پروژه ابتکار کمربند و راه را در سال ۲۰۱۳ و در دانشگاه نظربایف قزاقستان بدون توجه به سازمان همکاری شانگهای اعلام کرد و از آن پس ابتکار کمربند و راه همواره در کانون دیپلماسی اقتصادی چین بوده است (Wang, 2018: 2).

در یک دهه اخیر چین با بیش از ۱۰۰ کشور و سازمان بین‌المللی موافقتنامه‌هایی برای همکاری در قالب ابتکار کمربند و راه امضا کرده است و این ابتکار در کانون سرمایه‌گذاری خارجی این کشور قرار گرفته است. به دیگر سخن میتوان گفت که به لحاظ اقتصادی این ابتکار جایگزین سازمان همکاری شانگهای در دیپلماسی اقتصادی چین شده است. کشورهای آسیای مرکزی و به طور کلی پهنه اوراسیا نقش کلیدی را در ابتکار کمربند و راه چین ایفا میکنند. احتمالاً پیچیدگی پیشبرد برنامه‌های همگرایی اقتصادی

مدنظر چین در قالب ساختار اجماعی سازمان همکاری شانگهای این کشور را به سوی ساختار جدیدی که در آن از موقعیت مسلط برخوردار باشد سوق داده است. چین تسهیل تجاری باهدف گشودن بازارها را دنبال میکند، اما سایر کشورهای عضو عمدتاً دارای اقتصادهای ضعیف و تک محصولی‌اند و توان رقابت با چین در این حوزه را ندارند.

از دیگر سو روسیه نیز از سال ۲۰۱۴ ابتکار همگرایی اوراسیایی تحت عنوان اتحادیه اقتصادی اوراسیا را طراحی و اجرا کرده است و با ارائه انواع امتیازات به کشورهای اقماری جمهوریهای شوروی سابق می‌کوشد نفوذ خود در اقتصاد این کشورها را حفظ نماید، مانع از تسلط چین بر ژئو اکونومی اوراسیا گردد و این ابتکار را به کشورهای همچون ایران، ویتنام و هند گسترش دهد. در سند استراتژی امنیت ملی روسیه در سال ۲۰۲۱ تلویحا اشاره شده است که اوراسیا نباید تحت سلطه اقتصادی هیچ کشوری درآید (مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، ۱۴۰۰: ۱۱-۱۰).

۴. مزایای عضویت ایران برای سازمان همکاری شانگهای

بیست و دومین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲ در شهر سمرقند ازبکستان با موفقیت به پایان رسید، جایی که سران کشورهای ۸ عضو دائم سازمان همکاری شانگهای شامل چین، روسیه، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، هند و پاکستان - گرد هم آمدند. برای بحث در مورد چالش‌های منطقه‌ای و جهانی معاصر. این اولین نشست سران سازمان همکاری شانگهای بود که از زمان شیوع کووید-۱۹ به صورت حضوری برگزار شد. این اجلاس توجه بسیاری از رسانه‌های منطقه‌ای و غربی را به خود جلب کرد، عمدتاً به دو دلیل. اول، این اولین نشست سران کشورهای سازمان همکاری شانگهای از زمان آغاز درگیری بین روسیه و اوکراین بود. سازمان همکاری شانگهای که روسیه عضو اصلی آن است، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرد. علاوه بر این، در حاشیه این اجلاس، شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین اولین دیدار حضوری خود را با پوتین از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین داشت. یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این اجلاس، الحاق رسمی ایران به عنوان عضو دائم در سازمان همکاری شانگهای بود. ایران یادداشت تعهداتی را برای پیوستن به شانگهای

امضا کرد. با امضای سند عضویت کامل در سازمان همکاری شانگهای، اکنون ایران وارد مرحله جدیدی شده است. همکاری های مختلف اقتصادی، تجاری، ترانزیت و انرژی. رئیس جمهور ازبکستان در نشست سمرقند رسماً عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای را اعلام کرد.

کارشناسان پیش بینی می کنند که افزودن ایران به ساختار سازمان همکاری شانگهای ارزش قابل توجهی سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان منطقه ای را افزایش می دهد. سازمان همکاری شانگهای اکنون همه بازیگران لازم را برای حل چالش های منطقه ای مانند امنیت، اتصال و توسعه اقتصادی دارد.

اکنون که عربستان سعودی نیز به شریک گفتگو تبدیل شده است، سازمان همکاری شانگهای می تواند بستری را برای ایران و پادشاهی فراهم کند تا روی اختلافات خود کار کنند. از سوی دیگر، این فرصتی برای پاکستان و ایران خواهد بود تا پای میز مذاکره بیایند و در مورد مسائل اختلافی که بین کشورهای همسایه وجود دارد، صحبت کنند.

الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای پیام یکپارچگی منطقه ای را می دهد و نماد آغاز دوره جدیدی از منطقه گرایی است. علیرغم بحران های جاری منطقه ای، اجلاس سازمان همکاری شانگهای در سمرقند ارزش ها و اصول سرنوشت مشترک و همکاری برد-برد را برای منطقه مورد تاکید قرار داد.

با این حال، با توجه به تجربیات قبلی، نباید نسبت به تغییر چشمگیر فضای منطقه بیش از حد خوش بین بود. در سال ۲۰۱۷، زمانی که هند و پاکستان به سازمان همکاری شانگهای پیوستند، بسیاری دوران جدیدی از دوستی بین دو کشور را در بوق و کرنا کردند، اما سازمان همکاری شانگهای نتوانسته اصطکاک بین رقبا را هموار کند. رهبران هند و پاکستان در آخرین اجلاس سران در سمرقند حتی به صورت غیررسمی نیز نتوانستند ملاقات کنند (Khan, 2022:3). از منظر خود سازمان همکاری شانگهای، همکاری سیاسی ایران ممکن است برای روابط این سازمان با جهان اسلام مفید باشد.

در این راستا، تا سال ۲۰۲۱، تجارت بین ایران و کشورهای سازمان همکاری شانگهای از مرز ۶۵۱ میلیارد دلار گذشت و با عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای، اهرم های قابل توجهی برای تهران ایجاد می شود، زیرا این کشور در موقعیت

بهتری برای خنثی کردن تحریم‌های غرب بدون دادن امتیاز به کشورها قرار خواهد گرفت. علاوه بر این، ایران می‌تواند از ظرفیت چین و روسیه برای مقابله با فشار غرب استفاده کند. در حال حاضر، ایران منتظر هرگونه تحولات جدیدی در شورای امنیت است، اما همزمان برای نهایی کردن یک قرارداد ۲۵ ساله با چین و یک قرارداد بلندمدت با روسیه کار می‌کند. در نهایت، در این چارچوب، عضویت رسمی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند امنیت منطقه را ارتقا بخشد و پیامی برای وحدت ارسال کند. با این حال، چالش‌های عمده‌ای وجود دارد که می‌تواند مانع از تحقق این مزایا شود. ایران به دلیل کمبود در شبکه‌های ریلی و جاده‌ای مدرن و عدم دسترسی به بندر، به عنوان یک مسیر ترانزیتی اصلاً جذاب نیست. توسعه امکان پذیر است، اما ایران در تامین مالی ارتقاها گسترده با مشکلاتی مواجه است که با عضویت در سازمان همکاری شانگهای امید به بهبود آن دارد. (Umud, 2022: 2)

۱-۴. فرصت‌های اقتصادی پیش روی ایران

امروزه عضویت در اتحادیه‌های اقتصادی مثل اتحادیه شانگهای که علاوه بر عواید اقتصادی قابل توجه، ابعاد سیاسی و امنیتی خاص خود را نیز دارد برای کشورها بسیار حائز اهمیت است چرا که عضویت در سازمان‌های بین‌المللی به گسترش ظرفیت‌های اقتصادی کشورها و افزایش تعاملات چند جانبه بین‌المللی کمک می‌کند. ایران می‌تواند به دنبال دسترسی به منطقه آسیای مرکزی باشد که می‌تواند به عنوان بازاری برای صادرات کالاهای ایرانی در نظر گرفته شود. سازمان همکاری شانگهای هم شامل بزرگترین تولیدکنندگان سوخت و هم بزرگترین خریداران هیدروکربن است. در واقع برخورداری از قریب به یک سوم جمعیت جهان و بخش اعظم منطقه اورآسیا با منابع فراوان انرژی و قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را از منظر عناصر زیربنایی توسعه بسیار قدرتمند و توانا ساخته است.

ایران نگرش اقتصادی بلندمدت و هوشمندانه‌ای را در پی عضویت در سازمان همکاری شانگهای در نظر گرفته است و نمود بارز آن را میتوان در سخنان رئیس‌جمهور کشورمان در سخنان طی جلسه سازمان همکاری‌های شانگهای در سپتامبر ۲۰۲۱

مشاهده کرد: «عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای، فرصتهایی را برای ایران جهت اتصال به کریدور و مسیرهای اقتصادی و تجاری منطقه اوراسیا فراهم خواهد کرد. ایران حلقه اتصال پروژه‌های زیرساختی در منطقه اوراسیاست و این کشور میتواند جنوب و شمال اوراسیا را به یکدیگر متصل کند» (مرکز مطالعات سورین، ۱۴۰۰: ۳۴)

ناظران و تحلیلگران معتقدند که عضویت ایران در SCO میتواند به طرز قابل توجهی دستیابی تهران به بازار بزرگ حدوداً سه میلیارد نفری کشورهای عضو این سازمان را هموار کند. در این چارچوب، ایران میتواند تا حدی به صادرات مواد نفتی و پتروشیمی خود به کشورهای عضو سازمان شانگهای نیز امید داشته باشد و در عین حال برخی نیازهای فناورانه، مالی و صنعتی خود را نیز با محدودیت‌های به مراتب کمتری نسبت به گذشته، از این منطقه تامین کند. جدای از اینها، عضویت ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای، عملاً جایگاه آن در ابتکار بزرگ دولت چین موسوم به «یک کمربند یک راه» را تسهیل کرده و با تبدیل شدن کشورمان به بازیگری موثر در کریدور شمال به جنوب کشورهای عضو سازمان همکاری‌های شانگهای، موجب تقویت پیوندش با دولتهای آسیای مرکزی شود. مسائلی که در نوع خود دارای مزایا و منافع اقتصادی قابل توجهی برای ایران هستند. نکته حائز توجه این است که سازمان همکاری‌های شانگهای دارای کمیته‌ها و کارگروه‌های مهم و حرفه‌ای است و چینی‌ها به صورت ویژه سعی کردند که طی سال‌های گذشته بعد اقتصادی این سازمان را تقویت کنند. ایران از تشدید شکاف‌ها بین بلوک شرق و غرب قدرت به خوبی آگاه است و اگر بتواند از فرصت عضویت در SCO و پتانسیل آن به خوبی بهره ببرد، میتواند دستورکارهای اقتصادی خود را با هدف کاستن از فشار تحریم دنبال کند و عملاً به رفاه اقتصادی نزدیک شود (مرکز مطالعات سورین، ۱۴۰۰: ۳۵).

۱-۱-۴. اثرات عضویت ایران بر رفاه و حجم تجارت

یکی از اهداف عنوان‌شده توسط سازمان همکاری‌های شانگهای در زمینه اقتصادی، حذف تدریجی موانع تعرفه‌ای و ایجاد یک موافقت‌نامه تجارت آزاد است. در صورت عضویت

کامل ایران در این سازمان و تحقق این هدف، چهار سناریو شامل کاهش ۲۵، ۵۰ و ۷۵ درصدی تعرفه‌ها در قالب آزادسازی ناقص و حذف ۱۰۰ درصدی در قالب آزادسازی کامل نرخ‌های تعرفه پیش‌بینی شده است. با توجه به کدهای کالایی در نظر گرفته شده برای کاهش تعرفه‌ها، به نظر می‌رسد افزایش خالص رفاه در پی آزادسازی کامل برای ایران مثبت است که به معنای افزایش درآمد حقیقی کشور است. با پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای انتظار می‌رود که مجموع درآمد کشور در حدود ۳۷۰ میلیون دلار افزایش یابد. به باور کارشناسان، پس از حذف کامل نرخ تعرفه، بیشترین میزان خلق تجارت ناشی از این آزادسازی مربوط به ایران خواهد بود که ارزش آن بیش از دو میلیارد دلار است.

اما برآیند اثر خلق تجارت و انحراف تجارت برای ایران در حالت آزادسازی ناقص، نشان می‌دهد که با کاهش ۲۵ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از ۵۳۰ میلیون دلار، با کاهش ۵۰ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از یک میلیارد دلار و با کاهش ۷۵ درصدی نرخ‌های تعرفه کالاهای منتخب، اقتصاد ایران بیش از یک و نیم میلیارد دلار منفعت کسب می‌کند.

طبق یافته‌های این تحقیق، پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای، به واسطه خلق تجارت موجب افزایش بهره‌وری و تخصصی‌شدن تولیدات منطقه‌ای بر پایه مزیت نسبی و نیز بهبود رفاه عمومی کشورهای عضو، سودمند خواهد بود. در این میان آزادسازی کامل، منافع بیشتری را نصیب کشور خواهد کرد و طبق داده‌ها بیشترین خلق تجارت در میان کشورهای عضو برای ایران است. در عین حال، با توجه به اینکه هرچه سطح تجارت و روابط اقتصادی کشورهای عضو یک موافقت‌نامه تجاری قبل از شکل‌گیری موافقت‌نامه بیشتر باشد، احتمال ایجاد تجارت در نتیجه یکپارچگی منطقه‌ای بین آن کشورها بیشتر خواهد بود. بر این اساس ایجاد توافقات منطقه‌ای با این کشورها، آثار انحراف تجارت کمتری را برای ایران در پی خواهد داشت و با توجه به سطح بالای روابط تجاری ایران با برخی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نظیر چین، هند و پاکستان در کنار بالابودن میزان تعرفه‌های اعمال‌شده بر کالاهای مورد نظر، طبیعی به نظر می‌رسد که پس از آزادسازی و کاهش یا حذف نرخ‌های تعرفه میان این کشورها،

امکان افزایش صادرات و بهبود رفاه ایران مهیا شود. البته باید این نکته را مورد توجه قرار داد که برخورداری از چنین مزایایی به دو عامل اصلی بستگی دارد. از یک سو، موانع موجود در مسیر تحقق برنامه‌های اقتصادی و تجاری سازمان همکاری شانگهای مرتفع شود و از سوی دیگر، امکان عضویت کامل ایران در این سازمان طی سال آتی مهیا شود و به واسطه تحریم‌ها، موانع حقوقی و سیاسی مانع از عضویت کامل ایران نشود. تنها در صورت این دو گزاره می‌توان به دستاوردهای چنین مراوداتی ذیل تجارت آزاد با کشورهای سازمان همکاری شانگهای امیدوار بود.

۲-۱-۴. شبکه راه‌های ارتباطی و بنادر

کارشناسان بر این باورند، ایران برای افزایش و ارتقای جایگاه خود در منطقه و جهان، نیازمند مشارکت در ترتیبات منطقه‌ای از جمله عضویت در سازمان‌های همکاری منطقه‌ای است، در واقع یکی از مهم‌ترین بخش‌های فرصت‌ساز برای ایران در این سازمان، استفاده از توان لجستیکی کشور است. بر این اساس کریدورهای بین‌المللی و منطقه‌ای دارای ظرفیت‌های همکاری ایران با سازمان شانگهای عبارتند از: کریدور شمال - جنوب، کریدور تراسیکا^۱، کریدور سه‌گانه آلتید^۲، کریدور شرق-غرب، کریدور چابهار- زاهدان-مشهد (محور شرق)، کریدورهای حمل و نقلی سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو، کمربند جاده‌بریشم اقتصادی قرن ۲۱ و غیره.

سازمان همکاری شانگهای با توجه به حضور چین، روسیه و هند زمینه مناسبی جهت دستیابی به اهداف توسعه محورانه ایران می‌باشد. ورود به این سازمان می‌تواند اقتصاد ایران را به اقتصاد کشورها و مناطق پیرامونی خود پیوند زده و قلمرو بزرگی در حوزه‌های جغرافیایی مختلف از شرق و جنوب شرق آسیا، منطقه آسیای مرکزی و روسیه ایجاد کند که به حتم در افزون شدن منافع اقتصادی کشورمان مؤثر خواهد بود. پیامدهای اقتصادی عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

1 TRACECA
2 ALTID

۱. گسترش همکاری‌ها در حوزه انرژی و زمینه مناسب جهت ایجاد ائتلاف‌های جدید در این خصوص، برای مثال اوپک گازی؛

۲. حفظ و گسترش بازار مصرفی بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی‌های تکنولوژیک و منابع مالی مورد نیاز برای توسعه صنعتی با توجه به ظرفیت کشورهای عضو؛

۳. گسترش و تقویت منافع اقتصادی ایران با احتمال گره خوردن منافع اقتصادی سازمان شانگهای با کشورهای آسه آن، ژاپن و کره جنوبی؛

۴. ایجاد مانع در جهت تحریم‌های جدید در شورای امنیت؛

۵. ایجاد یک بازار جایگزین بزرگ و بادوام جهت توسعه صادرات کشور بویژه در برابر بازارهای تحریمی (رضایی، صالحی، ۱۳۸۹: ۶۶-۶۷).

بنابراین پیوستن ایران به سازمان موقعیت استراتژیک آن را از چند جهت در سطح منطقه و بین‌المللی افزایش و ارتقا خواهد داد.

اولاً، ایران با داشتن ارتباط با خلیج فارس و دریای خزر می‌تواند نقش فعال‌گردور شمال-جنوب و شرق به غرب را برای کشورهای آسیای میانه که به دریا راه ندارند ایفا کند. این‌گردور اهمیت استراتژیک سازمان را افزایش خواهد داد. ثانیاً، ایران بعنوان پلی است از سازمان شانگهای یعنی ناتوی شرق به سوی سازمان نظامی ناتو که ترکیه عضو و ستون شرقی آن محسوب می‌شود. از آنجا که یکی از اهداف عمده سازمان شانگهای مبارزه با تروریسم، ترافیک مواد مخدر و امنیت مرزها است، ایران که خود قربانی اقدامات تروریستی و از مبارزان علیه تروریسم و مواد مخدر به شمار می‌آید، با موقعیت جغرافیایی خاص خود می‌تواند به اهداف سازمان کمک کند و لذا موقعیت استراتژیک سازمان را ارتقا خواهد بخشید.

۳-۱-۴. سازمان شانگهای و تشکیل رژیم بین‌المللی اقتصادی

اگر در سده بیستم مقوله امنیت نظامی روابط دیپلماتیک سنتی مبتنی بر کانال‌های محدود و کنش‌گری صرف دولتها شاخص اصلی روابط بین‌المللی بود، اکنون در دهه‌های آغازین سده جدید تعدد کنشگران فراملی و فراملی، اهمیت یابی ارتباطات جهانی، لزوم توجه به رشد و توسعه اقتصادی و حرکت نهادین در قالب رژیم‌های بین‌المللی به

عنوان معیارهای اصلی در سیاست بین‌الملل مدنظر قرار گرفته است. همین امر نیز زمینه‌ای را فراهم آورده تا دولت - ملتها فارغ از رویکردهای ایدئولوژیک و تفاوت‌های سیاسی، اصل را بر همکاری و تعامل گذارده تا از طریق آن منافع مشترک بیشینه شود و این همان اصولی است که معرف وابستگی متقابل در روابط کشورها می‌باشد. به عبارت دیگر در فرایند جهانی شدن که ماحصل گسترده شدن فضای ارتباطات و اطلاعات و فراگیر شدن وجوه اقتصادی و چیرگی نسبی آن بر عرصه‌های زندگی بشری بوده و به درنوردیده شدن مرزها منجر شده، همکاری در حوزه‌های موضوعی مختلف و رفع نیازها از رهگذر تلاش‌های مشترک به شکل یک الزام درآمده است (سازمند، ۱۳۹۹: ۱۲۲).

در این راستا سازمان همکاری شانگهای بر شکل‌دهی به رژیم اقتصادی توجه بیشتری نیز نشان داده است. شکل‌دهی به رژیم اقتصادی در قیاس با همکاری‌های امنیتی با دشواری‌های بیشتری مواجه بوده است. در سطح کلان و از منظر اقتصاد سیاسی، سازمان همکاری شانگهای رژیم مسلط اقتصاد سیاسی بین‌الملل پس از جنگ سرد را پذیرفته و آن را به عنوان مبنای همکاری اعضا قرار داده است. از همین روست که عمده همکاری‌های اقتصادی در درون سازمان در پیامد ابتکاراتی که توسط کشورهای مختلف ارائه شده صورت گرفته است.

بنابراین می‌توان مدعی شد که نقش تعیین‌کننده روابط قدرت و نیز دستاوردهای نسبی در شکل‌دهی به مدل رفتاری دولت‌های عضو سازمان همکاری شانگهای زمینه را برای شکل‌گیری نوعی رژیم محدود همکاری امنیتی و اقتصادی فراهم آورده است، رژیمی که در حوزه امنیت به مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و تجزیه‌طلبی و در حوزه اقتصادی به شکل‌گیری کنسرسیوم بین‌بانکی و ایجاد بسترهایی برای همکاری گمرکی می‌پردازد.

۲-۴. آثار عضویت در حوزه امنیتی و نظامی

ایران همواره بیش از چین مایل به همکاری در بلوک‌بندی‌های چندجانبه نظامی - امنیتی همچون سازمان همکاری شانگهای بوده است. اما چین سیاست خارجی و دفاعی خود را عمل‌گرایانه و متناسب با تحولات بین‌المللی به صورت سیال تعریف کرده است. مواضع اخیر چین در قبال جنگ اوکراین و عدم تمایل جدی برای ورود به حمایت

نظامی از روسیه، برای در امان ماندن از تحریم‌های غرب و حفظ وجهه بین‌المللی خود در جهان، در همین راستا قابل ارزیابی است.

البته مقامات آمریکایی نیز در ابتدا اهمیت سازمان همکاری شانگهای را نادیده می‌گرفتند ولی بعد از آنکه ازبکستان در ۲۰۰۵ از آمریکا خواست تا پایگاه K2 را ترک کند توجه بیشتری را برای سیاستمداران کاخ سفید برانگیخت. کارشناسان بر این باورند، ایران برای افزایش و ارتقای جایگاه خود در منطقه و جهان، نیازمند مشارکت در ترتیبات منطقه‌ای از جمله عضویت در سازمان‌های همکاری منطقه‌ای است.

۳۶۳

واقعیت فضای جدید این است که دو کشور ایران و چین دارای منافع مشترک و در برخی موارد از استعداد همگرایی هوشمندانه برخوردارند اما هر نوع همگرایی الزاماً نمی‌تواند یک استراتژی ثابت را خلق کند. پهنه و دامنه روابط دو کشور و دخالت متغیرهای جدی و گاه تحمیلی، آثار و پیامدهای خاص خود را به همراه دارد که نمی‌توان آنها را در تعریف مناسبات دوجانبه نظامی از نظر دور داشت.

۵. چالش‌های عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

اگرچه ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای به هر دو طرف کمک خواهد کرد، اما دو طرف نباید توقع زیادی از یکدیگر داشته باشند. از یک سو، اگرچه سازمان همکاری شانگهای از زمان تأسیس تاکنون دستاوردهایی داشته است، اما در حال حاضر نمی‌توان توانایی‌های آن را دست بالا ارزیابی کرد. به عنوان مثال، دو عضو سازمان همکاری شانگهای، تاجیکستان و قرقیزستان، در جریان اجلاس سمرقند که به تازگی پایان یافته است، وارد جنگ شدند که بدیهی است که چالشی جدی برای سازمان همکاری شانگهای است. تناقض آشکار بین برخی از کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای خطری پنهان است که نمی‌توان آن را برای توسعه و رشد سازمان نادیده گرفت.

از سوی دیگر، از طرفی ایران ممکن است یک عضو مفید برای سازمان همکاری شانگهای باشد، ولی مثل هر یک از کشورهای عضو این سازمان شاید در مواقعی شاید چالش‌هایی نیز برای آن داشته باشد چرا که در دنیای امروز، روند کلی این است که روابط بین سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای عضو آنها سست‌تر شده است زیرا دنبال



کردن و در نظر گرفتن منافع ملی کشورها به طور فزاینده‌ای نسبت تعهد آنها در قبال منافع جمعی و سازمان‌های بین‌المللی پیشی گرفته است.

نتیجه‌گیری

پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای را می‌توان مرحله مهمی در شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک نهاد بین‌المللی بالغ تر نامید. حضور ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند متنوع‌ترین پیامدها را داشته باشد. ایران به عنوان یک کشور با سیستم حمل و نقل توسعه یافته به عنوان منبع انرژی برای اعضای سازمان همکاری شانگهای از نظر اقتصادی سودمند است. ایران از ابتدای دهه ۹۰ اقتصاد خود را بر مبنای بازاری توسعه داده و سیاست جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در پیش گرفته است. از نظر اقتصادی، حضور ایران می‌تواند به ایجاد بازار مشترک هم در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و هم در کشورهای آسیای مرکزی کمک کند. در مجموع، ورود ایران به سازمان همکاری شانگهای به معنای گسترش روابط تجاری و اقتصادی و بهینه‌سازی مسیرهای لجستیکی برای همه کشورهای عضو سازمان بدون در نظر گرفتن وضعیت آنها خواهد بود؛ زیرا «حضور کامل ایران در فعالیت‌های سازمان همکاری شانگهای به نفع همه شرکت‌کنندگان در این انجمن کلان منطقه‌ای است. در این راستا؛ یافته‌های مقاله بر اساس تئوری قدرت نهادی نشان می‌دهد که ایران با عضویت در سازمان همکاری شانگهای قدرت نهادی خود را افزایش داده است و در پرتو این قدرت نهادی است که موفق شده است اثرات تحریم‌ها را کاهش دهد. البته باید توجه داشته باشیم که؛ تنها عضویت در این پیمان برای جهش روابط دیپلماتی اقتصادی کشور کافی نیست و برای ایجاد فرصت‌های بزرگ اقتصادی لازم است که با هر یک از کشورهای عضو نیز روابط دوجانبه قوی برقرار کنیم که انعقاد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، کاهش منطقی نرخ‌های تعرفه‌ای به ویژه از سوی ایران و همگرایی در نرخ‌های تعرفه کالایی، شناخت دقیق بازارهای هدف به منظور گسترش صادرات غیر نفتی، رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای عضو شانگهای در صنایع بالادستی ایران و پیگیری اجرای تفاهمنامه همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین از طریق ایجاد پروژه‌های درون سازمانی شانگهای از جمله ابزارهای آن می‌تواند باشد. مساله دیگر این است که

سازمان شانگهای میزبان سه قدرت بزرگ جهانی یعنی چین، روسیه و هند است که دو قدرت از این سه قدرت عضو شورای امنیت سازمان ملل است. قرائن و شواهد جدی وجود دارد که آینده نظام بین المللی به سمت دو قطبی چین و آمریکا در حرکت است. در این بستر عضویت در سازمان شانگهای به نوعی تضمین کننده منافع اقتصادی و سیاسی کشور در آینده نظام بین المللی است. به خصوص اینکه امروز هم چین و ایران از نظام تحریم های آمریکا متضرر شده اند و به نوعی ایجاد بستری مطمئن در خنثی سازی تحریم های آمریکا هستند.

۳۶۵

در پایان نیز باید خاطرنشان کرد همگرایی منطقه‌ای و عضویت ایران در سازمان‌ها و نهادهای مهم و تاثیرگذار منطقه‌ای و بین المللی از جمله سازمان همکاری شانگهای نقشی مهم در حفظ و تضمین منافع ملی و حیاتی کشور خواهد داشت که با عضویت رسمی و دائمی ایران در سازمان مذکور در سپتامبر ۲۰۲۲، گامی مهم در تقویت نگاه به شرق و شکل گیری هویت اوراسیایی جمهوری اسلامی برداشته شد که بدون شک در صورت بهره مندی کامل از منافع و مزایای آن توسط ایران که پیش تر نیز بدان اشاره شد، منافع ملی بلند مدت متعددی را در حوزه‌های اقتصادی و تجاری، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، بهداشتی، زیست محیطی و غیره برای کشورمان در پی خواهد داشت که علاوه بر توسعه کشور و رشد امنیت، ثروت و رفاه ملی، نقش مهم و انکار نشدنی در کاهش تاثیر تحریم‌های یکجانبه، تلاش برای انزوای ایران، بالا بردن تراز و شاخص‌های قدرت اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور در مقایسه با دیگر قدرت‌های رقیب و در نتیجه پیگیری بیش از پیش منافع ملی و حیاتی و تبدیل جمهوری اسلامی به قدرت اول اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه و تحقق سند چشم انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ را به دنبال خواهد داشت.

منابع

انوری، حمید رضا و مرتضی رحمانی موحد (۱۳۸۷)، سازمان همکاری شانگهای؛ چشم اندازی به سوی

جهان چند قطبی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

تقوی، مهدی؛ **اقتصاد سیاسی بین المللی**، تهران، پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ اول، ۱۳۷۹



جهانگیری، سعید، ساعی، احمد (۱۳۹۸)، «واکاوی رویکرد دستیابی چین به جایگاه قدرت اقتصاد جهانی»،

فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۳، شماره ۱.

دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۷۷)، نظریه نهادگرایی نولیبرال و همکاری بین‌المللی « فصلنامه سیاست

خارجی، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز

رضایی، علیرضا و عباس صالحی، (۱۳۸۹) سازمان همکاری شانگهای و عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران،

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال سوم، شماره ۹، پاییز.

سنایی، مهدی (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی» مرکز مطالعات ایراس، ۱۷

شهریور برگرفته از <http://www.iras.ir/fa/pages/?cid>

شامیری شکفتی، افشین، فرهادی، زینب، ۱۴۰۱، رویکرد چین به نهادهای بین‌المللی، پژوهشنامه ایرانی سیاست

بین‌الملل، سال ۱۱، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۲۱۸-۱۹۵

عله پور، مهرداد (۱۴۰۰) جزئیات فنی توافقنامه ۲۵ ساله ایران و چین، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۲

فروردین ماه، <https://csr.ir/fa/news/1344>

قربانی، وحید (۱۴۰۰) «ایران و استراتژی نگاه به شرق»، تهران، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۱۷ تیرماه:

<https://csr.ir/fa/news/1439>

قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۳) مبانی و مؤلفه‌های مفهومی اقتصاد سیاسی بین‌الملل، **جستارهای سیاسی معاصر**،

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان.

مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۰)، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای: پیامدها برای دیپلماسی

اقتصادی، مهرماه. تهران.

مرکز مطالعات سورین، (۱۴۰۰)، سازمان همکاری شانگهای و فرصت پیشبرد سیاست منطقه‌گرایی نوین برای

ایران، تهران.

مسعودی، حیدرعلی، ۱۴۰۰، تعامل قدرت و تجارت در سیاست تجاری ۲۰۲۱ اتحادیه اروپا، **فصلنامه روابط**

خارجی، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۴۶۹-۴۳۵

هاس، ارنست (۱۳۸۵)، همگرایی منطقه‌ای: تأملاتی در باب شادکامی‌ها و تلخ‌کامی‌های پیش‌نظریه‌سازی،

در اندرو لینکلتر، جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران، نشر دفتر

مطالعات سیاسی بین‌الملل.

وحیدی، موسی‌الرضا، ۱۳۸۶، فراتکنولوژی و تحول مفهوم قدرت در روابط بین‌الملل، **فصلنامه مطالعات**

راهبردی، شماره ۳۸، صص ۷۲۴-۶۹۷

سازمند، بهاره، ارغوانی پیراسلامی، فریبرز، ۱۳۹۰، مشارکت راهبردی چین و اروپا در عصر وابستگی متقابل،

مجله سیاست دفاعی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، صص ۱۴۶-۱۲

Alexander Gabuev, Bigger, Not Better: Russia Makes the SCO a Useless Club, Carnegie Moscow Center, 23 June 2017, <<https://carnegiemoscow.org/commentary/71350>> (3 October 2021)

Liao, Janet Xuanli. (2021) "China's energy diplomacy towards Central Asia and the implications on its "belt and road initiative"", The Pacific Review Volume 34, Issue 3

Rousselot, H el ene. (2011) "Le Club de l' nergie de l'ocs, un  l ment (moteur)... d'int gration r gionale ?", **Relations internationales**, vol. 145, no. 1,

Song, W. (2016). China's approach to Central Asia: The Shanghai Co-operation organisation. Routledge.

Strange, S. (1988). **States and Markets**, London: Pinter.

Strange, S. (1994). 'Rethinking structural change in the International Political Economy: state, firm and Diplomacy, in Global Political Economy', Richard Stubs and Geoffrey Underhill (eds), Canada, Cataloging in Publication data.

Wang Cong Source, China to step up SCO investment, Global Times, 06 June (2018) <https://www.globaltimes.cn/content/1106554.shtml> (3 October 2021)

Umud, shukri, (2022), Iran and the Shanghai Cooperation Organization, available at: <https://carnegieendowment.org/sada/88427#>

Khan, Aamna, (2022), What Does Iran's Membership in the SCO Mean for the Region? available at: <https://thedi diplomat.com/2022/09/what-does-irans-membership-in-the-sco-mean-for-the-region>

۳۶۷

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

ظرفیت‌های
اقتصادی سازمان
همکاری
شانگهای برای
جمهوری اسلامی
ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی